



بررسی نقش مشارکت شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی (مورد مطالعه: شهرستان گنبدکاووس)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۱/۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۲۱

حمیده رشادت‌جو

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران hreshadatjoo@yahoo.com

محدثه فدائی

کارشناسی ارشد برنامه ریزی امور فرهنگی، دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران
mohadesefadaee@yahoo.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: توسعه فضاهای فرهنگی عبارت از فعالیتهای مردم و سازمان‌ها برای ایجاد رابطه میان آثار هنری و میراث فرهنگی و نیز برای گسترش خلاقیت آنان است. فضاهای فرهنگی مکانی مناسب برای یادگیری مهارت‌های چون نظم و انضباط، اعتمادبه‌نفس، رهبری و اصول بنیادین از قبیل صبر و شکیبایی و همکاری است و احترام را آموزش می‌دهد.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه آماری، شهروندان گنبدکاووس هستند که تعدادشان ۱۴۳۵۵۹ نفر است و با کمک فرمول کوکران حجم نمونه ۱۴۶۵ نفر به‌دست آمد.

یافته‌ها: نتایج از آزمون کی‌دو نشان می‌دهد مشارکت مالی ($\chi^2 = 1102.823$)، اجرایی ($\chi^2 = 1670.410$) و فکری ($\chi^2 = 1600.471$) شهروندان با میزان توسعه فضاهای فرهنگی رابطه دارد و مشارکت شهروندان ($\chi^2 = 1700.32$) باعث توسعه این فضاها می‌شود. نتایج آزمون همبستگی نشان داد که همبستگی قوی و مثبتی بین مشارکت فکری، اجرایی و مالی وجود دارد. افزایش مشارکت شهروندان در یکی از ابعاد، زمینه را برای انواع دیگر مشارکت تسهیل می‌کند. اولویت‌بندی تاثیرات با کمک آزمون فریدمن ($\chi^2 = 1640.242$) نشان داد مشارکت اجرایی (میانگین رتبه ۲،۸۴)، فکری (میانگین رتبه ۱،۶۶) و مالی (میانگین رتبه ۱،۴۹) به‌ترتیب بیش‌ترین تاثیر را بر توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق حاکی از آن است که مشارکت فکری، مالی و اجرایی شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی امری حیاتی است و لازمه دستیابی به اهداف فرهنگی حضور فعال شهروندان در مراحل قبل، حین و بعد از اجرای پروژه‌های مرتبط با فضاهای فرهنگی است.

واژگان کلیدی: گنبد کاوس، مشارکت مردمی، فضاهای فرهنگی، توسعه فضاهای فرهنگی

مقدمه

هر فضای جغرافیایی به غیر از ظاهر فیزیکی خود، گواه و معرف ارزش‌ها، هنجارها و یا به عبارتی مجموعه فرهنگی است. به زبان دیگر، هیچ مکان و محدوده جغرافیایی (کلاس درس، رستوران، مسجد و غیره)، بدون فرهنگ نیست. در نتیجه، می‌توان گفت که هر فضای فیزیکی و جغرافیایی دارای هویت فرهنگی است. یا به تعبیر بورديو، هر فضایی دارای میدان^۱ فرهنگی است. بنابراین، ما دارای دو نوع فضا هستیم. فضای فیزیکی و فضای فرهنگی (فرهنگ‌دار). فضای فرهنگی یا میدان فرهنگی، موقعیتی (یا محیطی فیزیکی) است که در متن و درون آن، ارزش‌ها، آداب و قوانین خاص آن موقعیت حاکم است که در شکل ظاهری فضا که قابل رویت است، عینیت می‌یابد. این ارزش‌ها و قوانین می‌توانند از نوع اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی و یا دینی باشند، که در هر حال، دارای بار فرهنگی هستند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۲ و ۴۷ و ۷۴). میدان‌های فرهنگی با مشارکت همه‌جانبه افراد جامعه در طی زمان ساخته می‌شوند. در واقع، ضمن این‌که هر یک از ما محصول فضاهای اطراف خود هستیم، هر یک نیز به نوعی، فضاهای اطراف خود را می‌سازیم. از این رو مشارکت شهروندان در شکل‌گیری و توسعه فضاهای فرهنگی نقشی اساسی دارد.

مشارکت به بیان توسعه‌ای "به‌عنوان یک فرایند اجتماعی، عام، جامع، چندجانبی، چندبعدی و چندفرهنگی سعی دارد همه گروه‌های مردم را در همه مراحل توسعه شرکت دهد" (کائوتری و دیگران: ۱۳۷۹: ۳۵). این مفهومی پیشرفته از مشارکت است که در ارتباط با مشارکت نهادمند واجد معنا می‌شود. به‌طوری‌که امروزه وقتی صحبت از مشارکت به میان می‌آید مراد مشارکت نهادمند است. جامعه مدنی، حقوق شهروندی و دموکراسی بستر ساز وقوع مشارکت نهادمند می‌باشند (صفری‌شالی، ۱۳۸۲: ۲۲).

باتوجه به تغییر مفهوم توسعه و راهبردهای اساسی آن در نیم قرن گذشته اگر تغییری در محوریت توسعه لازم باشد، روشن است که باید دیدگاه صاحب‌نظران و اندیشمندان از دریچه محدود اقتصادی و تاکید صرف به سرمایه و کارایی به سمت تعیین این مساله سوق یابد که این تغییرات چگونه می‌تواند در اندیشه‌ها موثر افتند. جریان مشارکت که محور آن احساس تعلق و گفتگوی آزاد و گسترده تشکیل می‌دهد، می‌تواند در این راه نقش موثری ایفا کند. نکته حائز اهمیت در این نوع برداشت از مفهوم مشارکت و ارتباط با توسعه این است که در

توسعه همه‌جانبه، مشارکت تنها به رای‌دادن خلاصه نمی‌شود بلکه فراتر از آن مشارکت باید شرایط گفتگوی آزاد و شرکت فعال در فعالیت‌های اجتماعی را برای عموم مردم فراهم سازد، از طرفی مشارکت نیازمند موقعیتی است که افراد بتوانند در تصمیم‌هایی که در سرنوشت آن‌ها موثر است، تاثیرگذار باشد. مشارکت به‌طور عام موجب افزایش کارایی برنامه‌های توسعه می‌شود و کیفیت تصمیم‌گیری‌ها را بالا می‌برد و دولت‌ها را تشویق می‌کند تا با قدرت و توان بیشتری به سازماندهی ساختارهای نامتمرکز بپردازند. دیدگاه مشارکت فعالانه مردم، کوشش می‌کند تا فرایند برنامه‌ریزی و اجرای موثر تغییرات قابل قبول را بهبود بخشد و از خطرات و تهدیدات احتمالی آن‌ها بکاهد. اگر جریان مشارکت به نحو مطلوبی مورد توجه قرار گیرد موجب سازگاری بیش‌تر برنامه‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده با شرایط اجتماعی می‌شود، بدین ترتیب بستر مناسبی برای ایجاد فضاهای فرهنگی و روانی جهت اجرای سیاست‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوجود می‌آید.

بیان مساله

فضاهای فرهنگی مکانی مناسب برای یادگیری مهارت‌های چون نظم و انضباط، اعتمادبه‌نفس، رهبری و اصول بنیادین از قبیل صبر و شکیبایی و همکاری است و احترام را آموزش می‌دهد (صفری‌شالی، ۱۳۸۲: ۱۱). فضاهای فرهنگی شامل مجموعه عوامل تاثیرگذار داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در عرصه فرهنگ است. شهر را نمی‌توان صرفاً مکانی برای زیست گروهی از مردمان در کنار هم تعریف و توصیف کرد، زیرا این تعریف در مورد زیستگاه‌های جمعی بشر در دوران ماقبل تاریخ صدق می‌کند. مقوله فضاهای فرهنگی شهر نیز با عنایت به همین نکته، حاصل افزودن مدنیت بر ساخت و ساز ابنیه و مکان‌های زیست و تلاقی اجتماعی مردمان است، به‌گونه‌ای که نیازهای مادی و از جمله فرهنگی این مردمان را تامین کند، زیرا که مدنیت اساساً دایر است بر تفکر، فرهنگ، حقوق فردی و اجتماعی و سایر مقولاتی که امورذهنی و مستقل از مفهوم مادی (مکان زیست) هستند (همان، ۱۲). بدون شک توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با فراهم ساختن مشارکت فعالانه و آگاهانه که در آن به هدایت سرمایه‌های مادی و فکری مردم پرداخته شود (شهبازی، ۱۳۸۳). بر این اساس تحقیق بدنبال بررسی

با توجه به اهداف مورد نظر، نتایج تحقیق می‌تواند شرایط لازم جهت افزایش مشارکت شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی فراهم آورد.

ادبیات پژوهش

فضای فرهنگی؛ یکی از شاخصهای توسعه فرهنگی
هر فضای جغرافیایی به غیر از ظاهر فیزیکی خود، گواه و معرف ارزش‌ها، هنجارها و یا به عبارتی مجموعه فرهنگی است. به زبان دیگر، هیچ مکان و محدوده جغرافیایی (کلاس درس، رستوران، مسجد و غیره)، بدون فرهنگ نمی‌باشد. در نتیجه، می‌توان گفت که هر فضای فیزیکی و جغرافیایی دارای هویت فرهنگی است. یا به تعبیر بوردیو، هر فضایی دارای میدان فرهنگی است. بنابراین، ما دارای دو نوع فضا هستیم. فضای فیزیکی و فضای فرهنگی (فرهنگ‌دار). فضای فرهنگی یا میدان فرهنگی، موقعیتی (یا محیطی فیزیکی) است که در متن و درون آن، ارزش‌ها، آداب و قوانین خاص آن موقعیت حاکم است که در شکل ظاهری فضا که قابل رویت است، عینیت می‌یابد. این ارزش‌ها و قوانین می‌توانند از نوع اقتصادی یا سیاسی یا فرهنگی و یا دینی باشند، که در هر حال، دارای بار فرهنگی هستند (بوردیو، ۱۳۸۰: ۳۲).
فضاهای فرهنگی می‌تواند شامل: کتابخانه، فرهنگسرا، خانه فرهنگ، موزه، مسجد، آمفی تئاتر، گالری، سینما و نگارخانه و... باشد.

بررسی ادبیات نظری در خصوص توسعه فضاهای فرهنگی حاکی از آن است که بر خلاف دیدگاه سنتی به مقوله فضاهای فرهنگی که به‌طور عمده در ساخت‌وساز و وجه کالبدی (فیزیکی) و قابل رویت شهرسازی خلاصه و متمرکز می‌شد، دیدگاه‌های امروزی توسعه فضاهای فرهنگی، در کنار تلاش برای ساخت‌وسازهای ضروری و تداوم احداث مجموعه‌های فرهنگی در سطوح پنج‌گانه محله، ناحیه، منطقه، حوزه و شهر با الویت رفع نیازهای اساسی و زیربنایی و توجه به آن دسته از کمبودها و نیازهای شهری که وجه مادی ساخت‌وساز در خصوص آن ضرورت دارد، مبتنی بر تعریف تازه‌ای است که فضاهای فرهنگی شهر را در نقطه تلاقی کالبدشهر با ذهنیت شهروندان جستجو می‌کند. (طوسی، ۱۳۸۰) در این منظر بی‌آن‌که وجه کالبدی و مادی شهرسازی کم اهمیت قلمداد شود، بر اهمیت و جه ذهنی و غیرمادی عنصر فرهنگ شامل مشترکات وپ بشینه وتاریخ شهر و مردمانش، نیازهای روانی و عاطفی شهروندان، نقش مدیریت کلان شهری در فرهنگ‌سازی با توسعه امکانات

مشارکتهای مردمی در توسعه فضاهای فرهنگی است تا از این طریق راه‌های استفاده بهتر از عنصر مشارکت شهروندان در ایجاد و توسعه فضاهای فرهنگی را مشخص و معرفی نماید. با توجه به مباحث فوق اهتمام اساسی این تحقیق پاسخ به این سوال است، که نقش مشارکت شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی شهر گنبدکاووس چیست؟

در خصوص اهمیت موضوع نیز شایان ذکر است که امروزه فضاهای فرهنگی، نه فقط به‌عنوان مکانی برای گذران اوقات، بلکه به‌عنوان یکی از نیازهای ضروری جوامع شهری، در جهت هدایت فعالیت‌های فرهنگی و مشارکتی در ابعاد مختلف زندگی شهری، به‌ویژه فعالیت‌های مشارکتی در راستای حفاظت از ارزش‌ها، هنجارها و قیدوبندهای اجتماعی مورد توجه خاص قرار گرفته است. رشد و گسترش فضاهای فرهنگی یکی از اهداف مطلوب هر دستگاه یا مجموعه شهری همچون شهرداری است؛ اما آیا صرف تخصیص اعتبارات مالی و امکانات فیزیکی در ایجاد فضای فرهنگی و البته کارکردی بودن فضای فرهنگی در جهت اهداف کافی است؟ آیا شهروندان هر شهر به‌عنوان بهره‌برداران اصلی فضاهای فرهنگی شهر در ایجاد، تداوم و هویت بخشی به فضاهای فرهنگی شهر مؤثرند؟ مطمئناً، مردم هر شهر و مشارکت آنان است که به فضاهای فرهنگی هویت و معنا می‌بخشد. بنابراین درک و فهم این نکته که چگونه مشارکت شهروندی در توسعه فضاهای فرهنگی شهر نقش ایفا می‌کند، حائز اهمیت است. درک این نکته می‌تواند علاوه بر پاسخ به سؤال تحقیق حاضر، برنامه‌ریزان و تصمیم‌گیران شهری را با نقش سرمایه عظیم مردمی شهر آشنا سازد و نیز آنان را در فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی جهت رشد و توسعه فضاهای فرهنگی شهر یاری رساند.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی تحقیق تعیین نقش مشارکت شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس است که در این راستا اهداف فرعی زیر مدنظر است:

- تعیین تاثیر مشارکت مالی شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس؛
- تعیین تاثیر مشارکت اجرائی شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس؛
- تعیین تاثیر مشارکت فکری شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس.

از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی‌تر "مشارکت" و "عدم مشارکت" جای می‌گیرد. براین اساس می‌توان قلمرو مشارکت و عدم مشارکت را از هم جدا کرد.

اشکال مشارکت دریسکل: به شرح ذیل است:

(۱) مشاوره وقتی است که مسئولین یا برنامه‌ریزان، نظرات مردم را جویا می‌شوند و به نظرات آن‌ها به‌طور جدی در تصمیم‌گیری‌ها توجه می‌شود.

(۲) بسیج اجتماعی: وقتی است که از مردم خواسته شود، در برنامه‌ای که از قبل تهیه شده شرکت کنند.

دو مرحله قبلی می‌توانند به تناسب در حوزه مشارکت و یا عدم مشارکت قرار بگیرد.

(۳) مسئولیت‌پذیری مردم وقتی است که شهروندان فعالیت را آغاز می‌کنند و خود تصمیمات را اتخاذ کرده و نهایتاً محصول نهایی کار را تعیین می‌کنند.

(۴) سهیم شدن در تصمیمات وقتی است که همه اعضای جامعه، بدون در نظر گرفتن سن و سوابق‌شان فرصت می‌یابند تا در روند امور شرکت کنند و سهم برابری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات داشته باشند. مهم این نیست که طرح توسط دولت و یا مردم آغاز شده، بلکه مهم این است متصدیان طرح، اهمیت جلب و مشارکت مردم را درک کنند. سهیم کردن مردم در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مقوله‌ای است که نه با شعار، بلکه تنها با ایجاد بستر امنی از روابط هم سطح ممکن می‌گردد. شفافیت، اعتمادمتقابل، احترام به استقلال افراد و گروه‌ها برای دستیابی به مشارکت پایدار از دیگر اصول است.

دیدگاه دیگر مشارکت فعال و مستقیم مردم در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است. بر اساس این دیدگاه، خود مردم به‌طور مستقیم یا از طریق نهادهای مردمی محلی، در فرایند تصمیم‌گیری و تهیه برنامه‌های توسعه مشارکت می‌کنند. و در مراحل مختلف تصمیم‌گیری و تهیه برنامه‌ها و تصویب آن‌ها نظر می‌دهند (فرهنگ‌خواه، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۶).

پیشینه تحقیق

شهبازی (۱۳۸۳) مقاله‌ای با عنوان "نقش مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی" ارائه داده است. محقق بیان می‌کند که مشارکت به‌عنوان قوام دموکراسی در عصر کنونی از منزلت خاص برخوردار است. تقویت مشارکت‌های مردمی با توجه به این‌که جامعه ما دارای سابقه درخشان و درازی در امر فرهنگ مشارکتی دارد. و

لازم و بسترسازی برای بالیدن فرهنگ عمومی و نقش مشارکت مردمی در پیشبرد اهداف فرهنگی تأکید می‌شود. توجه بیش‌تر به عناصر غیرمادی شهرسازی چون زیباشناسی شهری و گرایش به پاسخگویی به نیازهای عام مردم چون آرامش، احساس امنیت و احترام اجتماعی و حقوق فردی شهروندان، و نیازهای خاص‌تر چون فرهنگ و هنر با تمام گرایشها و شاخه‌های تخصصی‌تر آن‌ها، از ویژگی‌های این دیدگاه است. بخش مهم دیگری از توسعه فضاهای فرهنگی، توجه به ریشه‌های فرهنگی در همه زمینه‌ها از جمله در حوزه سازمان شهری است (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۲۴). از جهت دیگر، پارادایم ترکیبی مشارکت با توجه به پیچیدگی و ابعاد متعدد و چندگانه واقعیت اجتماعی و برای پرهیز از هرنوع تقلیل‌گرایی، برای تبیین مشارکت اجتماعی در سالهای اخیر رشد یافته و معتقد است در تبیین واقعیتها و فرایندهای اجتماعی، باید نگاهی کل‌گرایانه‌تر داشت و نوعی کثرت‌گرایی روش‌شناختی را پذیرفت. برای مثال پوتر و توماس بر توجه به عوامل ساختاری و نیز عامل فعال انسانی در پویسهای توسعه و مشارکت تأکید کردند چراکه از نظر آنان، تأکید بر یک عامل در روند توسعه تصویر ناقصی از آن ارائه می‌دهد (همان: ۸۸-۸۷).

رویکرد پارادایم ترکیبی مشارکت، با طرح اندیشه‌های توسعه از پایین، درون‌زا و بومی که با مفاهیم خوداتکایی و مشارکت مردمی آمیختگی شدیدی دارد و بر استفاده از منابع طبیعی، انسانی و نهادی با هدف ارضاء نیازهای اساسی افراد هر منطقه تأکید دارند، قرابت دارد. اندیشه صاحب‌نظرانی چون گاندی، نایرره، شوماخر و ساکس در طرح این رویکرد تأثیرگذار بوده است (همان: ۸۹).

دریسکل با گوشه چشمی به رهیافت یا پارادایم ترکیبی نسبت به مشارکت، دیدگاه‌های خود در مورد نحوه مشارکت شهروندان را در امور شهر ابراز کرده است. وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد.

ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند.

ج) مردمی که بیش‌ترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیش‌تری برای مشارکت در تصمیم‌گیری دارند.

تحقیق در این پژوهش توصیفی است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که برنامه‌ریزی در سطح واحدهای همسایگی مناسب‌تر از سایر روش‌ها است، زیرا بر دو هدف عمده تاکید دارد: (۱) نزدیک‌تر کردن سازمان‌های محلی به مردم (۲) تنظیم عملکردهای شهری با نیازهای حوزه‌های خاص.

مدل تحلیلی

با توجه به ادبیات تئوریک و تجربی مورد بررسی، مدل مفهومی تحقیق به شکل شماره ۱ تدوین شده است.

فرضیات تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق این است که بین مشارکت شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد. در این راستا فرضیه‌های فرعی زیر مدنظر است:

- بین مشارکت مالی شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت اجرائی شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.
- بین مشارکت فکری شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها:

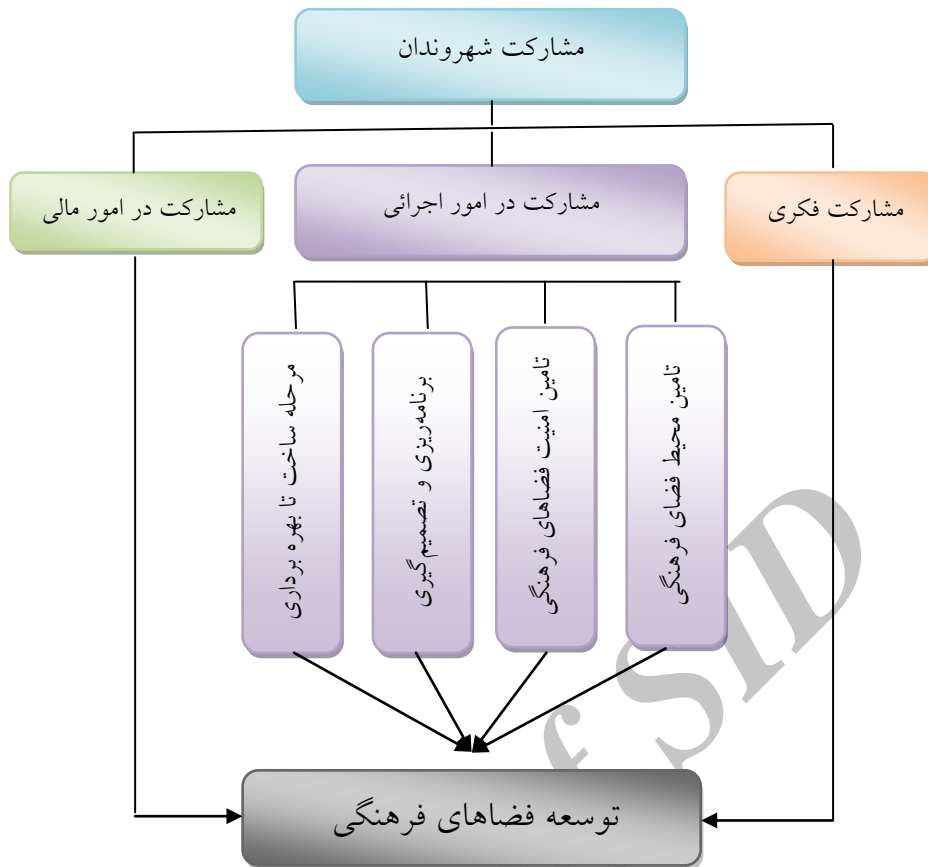
- متغیرهای مستقل
مشارکت به معنای بهادادن به نقش و نظر مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دسترسی آنان به منبع قدرت است (اوکلی ومارسدن، ۱۳۷۰: ۸۸). مشارکت اجتماعی دلالت بر فعالیت و همکاری شهروندان در طرح‌ها و برنامه‌های عمرانی و غیرعمرانی و شرکت آن‌ها در برنامه‌ها و جلسات رسمی و دولتی، اظهار نظر و دخالت در تصمیم‌گیری‌ها دارد، و دارای ابعاد زیر می‌باشند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۹۳)

-مشارکت فکری(ارائه نظرات وپیشنهادات)که با گویه‌های ارائه ایده‌های جدید توسط مردم، استقرار نظام پیشنهادات، شرکت در نیازسنجی،الویت بندی نیازها واستفاده از خلاقیت ونوآوری مردم سنجیده می‌شود.

همواره در طول تاریخ رگه‌های روشنی از تشریک مساعی هدفمند و داشتن روح جمعی در شرایط مختلف به‌وجود آمده است. مشارکت یک اصل محوری و بنیادین است که در جوامع مختلف دستاوردهای قابل‌ملاحظه‌ای داشته است. شایسته است با برنامه‌ریزی مدون و سیاست مقتضی به قوام این اصل پرداخته و با ایجاد بسترهای مناسب به توسعه ملی دست یابیم. بدون شک توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی امکان‌پذیر نخواهد بود مگر با فراهم ساختن مشارکت فعالانه و آگاهانه که در آن به آن به هدایت سرمایه‌های مادی و فکری مردم پرداخته شود.

جمعه‌پور (۱۳۸۲) مقاله‌ای با عنوان «عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن» ارائه داده است. محقق به این نتیجه رسیده است که برای رسیدن به الگوی توسعه مطلوب (در تمامی ابعاد اجتماعی، فرهنگی و...) یا استفاده صحیح از منابع و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن، مشارکت مردم به‌عنوان عامل اصلی و محوری به‌شمار می‌رود که تلفیق و ترکیب عناصر اصلی در جریان توسعه و به‌فعولیت درآوردن آن‌ها را بر عهده دارد. تقوایی و دیگران (۱۳۸۸) مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری: مطالعه موردی، منطقه ۴ شهر تبریز» ارائه داده‌اند. روش تحقیق پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. نتایج نشان می‌دهد که ارزیابی شهروندان از پیامدهای مشارکت مثبت بوده، بیش‌تر شهروندان معتقد بودند که می‌توانند با مشارکت در مدیریت شهری تاثیرگذار باشند. مطالعات به‌دست آمده نشان می‌دهد که بیش‌ترین مشارکت، برگزاری مراسم و جشن‌های محلی و کم‌ترین مشارکت مربوط به اطلاع‌رسانی مشکلات به مدیران شهری بوده است. هر چه میزان رضایتمندی افراد از خدمات رسانی مدیران شهری و احساس مالکیت، یعنی مدت زمان سکونت و نوع مالکیت (ملکی) بیش‌تر باشد و وضعیت اقتصادی - اجتماعی شهروندان بهتر باشد به‌همان میزان تمایل به مشارکت در مدیریت شهری افزایش می‌یابد.

شکوهی و حسینی (۱۳۸۳) تحقیقی تحت عنوان «سازکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری» انجام داده‌اند. هدف از این پژوهش بررسی و تبدیل روندها، روش‌ها و ابزارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری است. روش



شکل (۱): مدل تحلیلی تحقیق

(یونسکو، ۱۳۷۷: ۴۷-۴۶). در این تحقیق، فعالیت فرهنگی در بعد مصرف کالاهای فرهنگی را در بر می‌گیرد. مصرف کالاهای فرهنگی، بعدی از حیات فرهنگی است که عمدتاً با توسعه صنعت فرهنگ ارتباط دارد و بیش‌تر در خصوص جوامع جدید کاربرد دارد تا جوامع سنتی. این نوع مصرف، بر استفاده از رسانه‌ها و وسایل فرهنگی (یعنی وسایلی که فعالیت فرهنگی با آن انجام می‌شود) متمرکز است (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۱: ۴).

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی و تبیینی است و در اجرای آن از روش پیمایش استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان ساکن گنبد کاووس در سال ۱۳۸۹ که طبق سرشماری نفوس و مسکن، ۱۴۳۵۵۹ نفر بوده‌اند. حجم نمونه با کمک فرمول کوکران ۱۴۶۵ نفر به‌دست آمد. شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. به‌منظور تعیین اعتبار صوری و محتوایی پرسشنامه از نظرات برخی از

-مشارکت در امور اجرایی (از ساخت تا بهره‌برداری، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، تأمین امنیت فضای فرهنگی، تأمین محیط فضای فرهنگی): با گویه‌های شرکت در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت، شرکت در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، شرکت در تصمیم‌گیری، شرکت در اداره فضاهای فرهنگی، شرکت در حفظ و نگهداری فضاهای فرهنگی، کمک به تأمین امنیت فضاهای فرهنگی، شرکت در ساخت فضاهای فرهنگی و ارائه ابزار و امکانات مردمی (کامیون، بولدزر، ...) سنجیده می‌شود.

- مشارکت مالی (تأمین بخشی یا کل اعتبار طرح یا برنامه‌ها): با گویه‌های کمک‌های نقدی، کمک‌های غیرنقدی، اهداء زمین، ساختمان و خرید اوراق مشارکت توسط مردم سنجیده می‌شود.

متغیر وابسته

توسعه فضاهای فرهنگی شهر گنبدکاوس متغیر وابسته تحقیق است. در واقع عبارت است از فعالیتهای مردم و سازمان‌ها برای ایجاد رابطه میان آثار هنری و میراث فرهنگی و نیز برای گسترش خلاقیت آنان

فرضیه فرعی دوم: بین مشارکت اجرایی شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.

جدول (۲): بررسی مشارکت اجرایی با استفاده از آزمون

کی دو تک متغیره

گزینه	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	اختلاف دو فراوانی
کم	۳۰۵	۴۸۸.۳	-۱۸۳
تاحدی	۸۸۵	۴۸۸.۳	۳۹۷
زیاد	۲۷۵	۴۸۸.۳	-۲۱۳
جمع	۱۴۶۵	-	-
sig	df	Chi-square	sig
۰.۰۰	۲	1670.410	۰.۰۰

آزمون کی دو ($\chi^2 = 1670.410$) که در سطح کاملاً معناداری ۰/۰۰۰ است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین فراوانی مورد انتظار و فراوانی واقعی وجود دارد و این فرضیه مورد تایید است. بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین فراوانی به‌دست آمده یا واقعی و فراوانی مورد انتظار وجود دارد.

فرضیه فرعی سوم: بین مشارکت فکری شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.

جدول (۳): بررسی مشارکت فکری با استفاده از آزمون

کی دو تک متغیره

گزینه	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	اختلاف دو فراوانی
کم	۲۹	۴۸۸.۳	-۴۵۹
تاحدی	782	۴۸۸.۳	۲۹۴
زیاد	۶۵۴	۴۸۸.۳	-۱۶۶
جمع	۱۴۶۵	-	-
Sig	Df	Chi-square	Sig
۰.۰۰	۲	1600.471	۰.۰۰

آزمون کی دو ($\chi^2 = 1600.471$) که در سطح کاملاً معناداری ۰/۰۰۰ است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین فراوانی مورد انتظار و فراوانی واقعی وجود دارد و این فرضیه مورد تایید است، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین فراوانی به‌دست آمده یا واقعی و فراوانی مورد انتظار وجود دارد.

اساتید دانشگاه استفاده شد و اصلاحات پیشنهادی اعمال شد. همچنین ضریب آلفای کرونباخ ۰.۷۲ بدست آمد که نشان از پایداری مطلوب پرسشنامه بود. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کاسکوئر، ضریب همبستگی پیرسون و آزمون فریدمن استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

بررسی سیمای پاسخگویان حاکی از آن است که ۵۱ درصد پاسخگویان زن و ۴۹ درصد مرد هستند. جوان‌ترین پاسخگو ۲۰ سال و بالاترین ۵۰ سال سن دارد و میانگین سنی ۳۰ سال است. از نظر تحصیلات؛ ۳۸ درصد دیپلم، ۳۳ درصد فوق‌دیپلم، ۲۵ درصد لیسانس و بالاتر هستند. از نظر درآمدی ۵۵ درصد بین ۲۰۰-۴۰۰ هزار تومان درآمد دارند و تنها ۵ درصد درآمد بالاتر از یک میلیون تومان دارند. میانگین درآمدی ۴۶۵ هزار تومان است.

یافته‌های استنباطی

فرضیه فرعی اول: بین مشارکت مالی شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.

آزمون کی دو ($\chi^2 = 1102.823$) که در سطح کاملاً معناداری ۰/۰۰۰ است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین فراوانی مورد انتظار و فراوانی واقعی وجود دارد و همچنین بیانگر این است و این فرضیه مورد تایید است.

جدول (۱): بررسی مشارکت مالی با استفاده از آزمون

کی دو تک متغیره

گزینه	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	اختلاف دو فراوانی
کم	۱۱۵	۴۸۸.۳	-۳۷۳
تاحدی	768	۴۸۸.۳	۲۸۰
زیاد	582	۴۸۸.۳	۹۴
جمع	۱۴۶۵	-	-
sig	df	Chi-square	sig
۰.۰۰	۲	1102.823	۰.۰۰

جدول (۶): بررسی مقایسه رتبه‌های بین شاخص‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتریک فریدمن

عنوان	میانگین رتبه	اولویت
مشارکت فکری	۲,۸۴	۱
مشارکت مالی	۱,۶۶	۲
مشارکت اجرایی	۱,۴۹	۳
Chi-square	df	Sig
1640.242	۲	.۰۰۰

بین میانگین شاخص‌های به‌دست آمده تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس می‌توان گفت که میانگین رتبه مشارکت اجرایی برابر با ۲,۸۴ بوده است که نشان‌دهنده بیش‌ترین میزان رتبه در بین ۳ شاخص تشکیل‌دهنده توسعه فضای فرهنگی است و کم‌ترین میانگین برابر ۱,۴۹ است که مربوط به شاخص مشارکت مالی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

نتایج تحقیق نشان داد که از نظر شهروندان مشارکت مالی شهروندان نقش موثری در توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس تاثیر دارد. اگر مسئولین بتوانند زمینه برای جلب مشارکت مالی شهروندان درخصوص ساخت فضاهای فرهنگی مانند کتابخانه، فرهنگسرا، مساجد و... فراهم آورند، زمینه مساعدتی برای توسعه این فضاها فراهم می‌آید. مشارکت مالی شهروندان از طریق کمکهای نقدی، کمکهای غیر نقدی، مانند اهداء زمین، ساختمان و خریداوراق مشارکت در این رابطه حائز اهمیت است.

از دیگر یافته‌های تحقیق تاثیر معنادار مشارکت اجرائی شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس است. شهروندان از طریق شرکت در برنامه ریزی های کوتاه مدت، بلند مدت، شرکت در تصمیم‌گیری، شرکت در اداره فضاهای فرهنگی، شرکت در حفظ و نگهداری فضاهای فرهنگی، کمک به تامین امنیت فضاهای فرهنگی، شرکت در ساخت فضاهای فرهنگی و... می‌تواند مسئولین را در مسیر توسعه فضاهای فرهنگی یاری دهد.

همچنین نتایج تحقیق نشان داد که مشارکت فکری شهروندان "ارائه دیدگاه‌ها و نظرات" در توسعه فضاهای فرهنگی در شهرستان گنبدکاووس تاثیر دارد. شهروندان با شرکت در نیازسنجی و اولویت‌بندی نیازها و ارایه

فرضیه اصلی: بین مشارکت شهروندان و توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس رابطه وجود دارد.

آزمون کی‌دو ($\chi^2 = 1700.32$) که در سطح کاملاً معناداری ۰/۰۰۰ است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین فراوانی مورد انتظار و فراوانی واقعی وجود دارد و این فرضیه مورد تایید است، بنابراین با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان نتیجه گرفت که تفاوت معناداری بین فراوانی به‌دست آمده یا واقعی و فراوانی مورد انتظار وجود دارد.

جدول (۴): بررسی مشارکت با استفاده از آزمون کی دو

تک متغیره		فراوانی	فراوانی مورد انتظار	اختلاف دو فراوانی
کم	۱۵۰	۴۸۸.۳	-۳۳۸	
تاحد ی	۸۱۲	۴۸۸.۳	۳۲۴	
زیاد	۵۰۳	۴۸۸.۳	۱۵	
جمع	۱۴۶۵	-	-	
Sig	Chi-square	df	Sig	
.۰۰۰	1700.32	۲	.۰۰۰	

آزمون همبستگی

نتایج نشان می‌دهد که بین سه نوع مشارکت فکری، مالی، اجرایی؛ همبستگی به‌صورت مثبت و مستقیم است. یعنی هر چه میزان مشارکت مالی بیش‌تر باشد، میزان مشارکت اجرایی و فکری نیز بیش‌تر خواهد بود و با توجه به اینکه شدت همبستگی بالای 0.60 است، نشان‌دهنده همبستگی قوی بین سه بعد مشارکت است.

جدول (۵): ماتریس همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

نام متغیر	مشارکت مالی	مشارکت اجرایی	مشارکت فکری
مشارکت مالی Sig	۱	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
مشارکت اجرایی Sig	۰.۰۰۰	۱	۰.۰۰۰
مشارکت فکری Sig	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱

آزمون فریدمن

نتایج آزمون فریدمن نشان می‌دهد که با توجه به مقدار آماره آزمون ($\chi^2 = 1640.242$) است که در سطح خطای کم‌تر از 0/01 معنادار است، با ۹۹ درصد اطمینان

ایده‌های جدید به مسئولین می‌توانند نقش موثری در توسعه فضاهای فرهنگی داشته باشند.

اما نتایج تحقیق نشان داد که از نظر شهروندان مشارکت اجرایی بیش‌ترین تاثیر را در توسعه فضای فرهنگی دارد. در مرحله بعدی مشارکت فکری است و کم‌ترین تاثیر را مشارکت مالی دارد. در مجموع نتایج این تحقیق نشان داد که مشارکت شهروندان عامل موثری در توسعه فضاهای فرهنگی شهرستان گنبدکاووس است.

اما از جمله نتایج جالب توجه تحقیق این بود که بین ابعاد سه‌گانه مشارکت؛ ارتباط معناداری، مثبت و قوی وجود دارد و اگر مشارکت شهروندان در یکی از ابعاد فراهم شود زمینه مساعدی برای مشارکت در سایر ابعاد فراهم می‌گردد. مثلاً هر چه میزان مشارکت مالی بیش‌تر باشد، میزان مشارکت اجرایی و فکری نیز بیش‌تر خواهد بود و یا اگر از نظر شهروندان در خصوص ساخت فضای فرهنگی کمک گرفته شود، شهروندان مشارکت اجرایی و مالی بیش‌تری خواهند داشت.

در جمع‌بندی نتایج گفتنی است که در نظریات جدید توسعه بر خلاف گذشته که سرمایه‌های مادی و فیزیکی را موتور محرکه توسعه می‌دانست، در نظریات جدید، این افراد هستند که به عنوان سرمایه‌های انسانی، محور اصلی توسعه را تشکیل داده و موجبات رشد و توسعه پایدار جوامع را فراهم ساخته‌اند. توسعه زمانی موفقیت‌آمیز خواهد بود که از پایه‌ریزی فکری و نیز فرهنگی مناسب برخوردار باشد. استفاده کردن از نظر شهروندان باعث استفاده از افکار نو و ابتکاری به وجود آمده خواهد شد که می‌تواند در حل بسیاری از مشکلات مدیریت شهر و توسعه بخشی به این امر، یاریگر مدیریت شهری شود. این موضوع، خود باعث علاقه‌مندی شهروندان جهت افزایش آگاهی و اطلاعاتشان می‌شود و با توجه به این موضوع، رویکرد مناسب برای توسعه یعنی خود باوری و داشتن ارتباط آگاهانه با موضوع مورد مشارکت، در نزد شهروندان تجلی می‌یابد. استفاده از این نظرات موجب برقراری ارتباط خوب ما بین شهروندان و مدیران شهرداری گنبدکاووس شده و موجبات همکاری هر چه بیش‌تر جهت رسیدن به هدف اصلی که همانا توسعه دادن فضاهای فرهنگی است، فراهم می‌شود و در چنین حالتی توسعه قابلیت مذاکره و دسترسی آسان و سریع‌تر بوده و پیش زمینه تفاهم ما بین این دو گروه فراهم می‌شود.

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق پیشنهادهایی جهت تسهیل مشارکت شهروندان در توسعه فضاهای فرهنگی ارائه شد است:

(۱) آگاهی از شرایط اساسی مشارکت است. مدیران شهری با استفاده از رسانه‌های محلی و بیل‌بوردها و تابلوی اعلانات و برشورها در سطح شهر هم به مردم در زمینه‌های مختلف آگاهی بدهند و هم زمینه‌های جلب مشارکت آنها را فراهم سازند.

(۲) برنامه‌های ترویجی و تشویقی جهت مشارکت در امور اجتماعی تاثیر به‌سزایی در افزایش آگاهی و مسئولیت‌پذیری شهروندان داشته و دارد، لذا سرمایه‌گذاری بیش‌تر بر روی این‌گونه برنامه‌ها از دیگر پیشنهادات محقق می‌باشد.

(۳) به نظر می‌رسد بهتر است کارگاه‌های مسئله‌یابی به کمک خود مردم و نخبگان شهر شکل می‌گیرد، زیرا معمولاً در مواردی که با کمک خودمردم برای حل آن تصمیم‌گیری می‌شود در مرحله اجرا نیز مردم تمایل بیش‌تری به مشارکت دارند چراکه تمامیت آن امر را از آن خود می‌دانند. بنابراین شایسته است جهت افزایش میزان مشارکت مردم از این روش حداقل در سطوح محلی بیش‌تر استفاده شود.

منابع و مأخذ

- ازکیه، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳). توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: نشر نی.
- اوکلی، پیترو و دیوید مارسدن (۱۳۷۰). رهیافت‌های مشارکت در توسعه روستایی، مترجم: منصور محمودنژاد. ناشر مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی- وزارت جهاد سازندگی، تهران؛ انتشارات ارغنون.
- بوردیو پی‌یر (۱۳۸۰). نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی، مترجم: مرتضی مردی‌ها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۲). عوامل اصلی در فرآیند توسعه پایدار: مردم، منابع، فضاها و نقش مشارکت مردمی در آن، نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، شماره ۲۲، ۱۰۳-۱۳۰.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۰). پارادایم بهبود مدیریت شهری (با تکیه بر شهر مشهد)، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۶، شماره ۶۲، ۷۲-۶۲.

یادداشت‌ها

¹ Champ

- شکوهی، حسین و سیدعلی حسینی (۱۳۸۳). "سازکارهای مشارکت شهروندان در تهیه طرح‌های توسعه شهری"، مدرس علوم انسانی، شماره ۳۲، ۷۱-۹۸.
- شهبازی، مظفرالدین (۱۳۸۳). نقش مشارکت مردمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی، نشریه فرهنگ و تعاون، شماره ۳۱، ۴-۶.
- صفری‌شالی، رضا (۱۳۷۹). نقش و جایگاه مشارکت مردمی در تربیت بدنی و ورزش (با تأکید بر توسعه انسانی)، اولین کنگره علمی بین‌المللی تربیت بدنی و ورزش دانش‌آموزان دختر وزارت آموزش و پرورش، بهمن ۱۳۷۹.
- طوسی، محمدعلی (۱۳۸۰). مشارکت در مدیریت و مالکیت، تهران: مرکز آموزشی مدیریت دولتی
- علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). ارزیابی بخش فرهنگ در برنامه‌های اول و دوم توسعه، مجموعه مقالات گردهمایی ساماندهی فرهنگی، تهران: نشر دال.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰) بررسی موانع اجتماعی فرهنگی موثر بر مشارکت اجتماعی-اقتصادی سازمان یافته در قالب NGO در جامعه روستائی ایران، مطالعه موردی: روستاهای شهر کاشان، موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۸۰
- قوایی، مسعود و رسول بابانسیب، چمران موسوی (۱۳۸۸). تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری: مطالعه موردی، منطقه ۴ شهر تبریز، مطالعات و پژوهش‌های شهری-منطقه‌ای، شماره ۲، ص ۱۹.
- کائوتری، هوئین و دیگران (۱۳۷۹). مشارکت در توسعه، مترجمین: هادی غیرابی و داود طبایی، تهران: نشر روش، چاپ اول.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: یافته‌های پیمایش در قم، دفتر طرح‌های ملی، تابستان، تهران: انتشارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۱)، رفتارهای فرهنگی ایرانیان: یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در قم، دفتر طرح‌های ملی، پائیز، تهران: انتشارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- یونسکو (۱۳۷۷). فرهنگ و توسعه، مترجم: نعمت‌الله فاضلی و محمد فاضلی، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.